

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

جو کشور نباشد تن من میاد بدین بوم ویر زنده یک تن میاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجیر خلیل الله معروفی
برلین - ۲۹ سپتمبر ۲۰۱۶

اردو - ارتش - لشکر - سپاه - فوج

کلمات بالا مترادف هم هستند، که هر یک به نحوی از انحاء، کم و بیش مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما ببینیم، که کدام یک در دری ما مناسبتر است، و بلکه مناسبترین. درین بحث مختصراً به همین قضیه پرداخته می‌شود.

اردو:

این کلمه اصلاً ترکی مغولی‌ست، و مراد از آن مجموعهٔ عساکر و تجهیزات جنگی آنهاست. این کلمه از زمانه‌های قدیم و لااقل از دروان تیموریان در افغانستان رائج گشته است. در زمانه‌ای نچندان دور و با روی کار آمدن تشکیلات منظم عسکری، نیز مورد استعمال داشته. چنان، که قبل از استخدام نامگذاری موجود عسکری به زبان ملی پشتو، "رئیس اردو" می‌گفتند، که مراد از "لوی درستیز" امروزی بود. مگر از وقتی، که نظام عسکری مطابق نورمهای مدرن اروپائی ایجاد گردید، کلمه "اردو" رسماً بر مجموعهٔ قوای عسکری - به شمول قطعات و افراد و صاحبمنصبان و افسران و ادوات جنگی و غیر جنگی ایشان اطلاق گردید. امروز کلمه "اردو" در زبان خاص و عام ما افتاده است و کسی در افغانستان پیدا نمی‌شود، که این مقولهٔ کاملاً مأنوس را نشناسد.

ارتش:

نیز کلمهٔ ترکی‌ست، ولی در افغانستان رائج نیست و فقط از زبان بعض نویسندگان شنیده می‌شود. به عکس، در ترمینولوژی عسکری ایران کلمه "ارتش" رسمیت دارد و عین موقعیتی را دارد، که "اردو" در افغانستان.

لشکر:

کلمهٔ قدیم دری‌ست، و در زمانه‌های قدیم در سرزمین ما رواج عام و تام داشته است. نمونهٔ بارز آن کلمه "لشکرگاه" است، که بعد از تسلط اعراب بر قلمرو ما استعمال گردیده است. و شهر "لشکرگاه" در

ولایت هملند از بقایای استعمال قدیم این لغت است. به عکس مگر در زبان عامیانه ما کلمه لشکر استعمال وسیع دارد، البته نه در معنای اصلی آن. از بهر مثال زنان کابلی از "لشکر اولاد" سخن گویند و مثلاً گویند:

"لشکر اولاده کلان کدم، مگم هیچ کدامش به دردم نخورد!!!"

در اردوی ایران کلمه "لشکر" را نیز استعمال می کنند، ولی در معنای "قطعه بزرگ" و فکر می کنم در حد "فرقه". مثلاً "لشکر زرهی" گویند، که به حساب ما "فرقه زره دار" می شود.

در یکی از مقالات قدیم راجع به "لشکرگاه" مفصلاً نوشته و تأکید کرده بودم، که بهتر است و به مراتب بهتر است، که کلمه نامعقول و ناشامل "پایگاه" را با کلمه زیبا و رسای "لشکرگاه" تعویض کنیم. حالا نیز بر این نکته مؤکداً پایفشاری می کنم!!!

سپاه:

این کلمه نیز دری ست و از زمانه های بس قدیم مورد استعمال. این لغت زیبا و مخففش "سپه" در دوران سلطنت غزنویان افغانستان زیاد رائج بوده است و ترکیبات "سپهسالار" و "سپهسالار غازی" در کتاب مستطاب "تاریخ بیهقی" بسیار به کار رفته است. مثلاً مسعود اول؛ یعنی مسعود پسر محمود غزنوی، "سپهسالار خراسان" بوده است. البته خراسان مراد از ولایت "خراسان امروزی" ایران است، که جزء لایتجزای "خراسان بزرگ" بزرگ بود و "حضرت بزرگوار غزنه" - به فرموده ابوالفضل بیهقی - پایتخت خراسان و مرکز "شاهنشاهی غزنوی". امروز اما در وطن ما "سپاه" فقط در وجود ترکیب "سپاهسالار" (سپهسالار) و "سپاهی" زنده است. عوام کابلی در زمان قدیم "سپاهی" را در عوض "عسکر" استعمال می کردند، البته به ضم "سین".

فوج:

این کلمه عربی ست و در معانی مختلف استعمال می گردد، از دسته و جماعت تا لشکر. این لغت از لغات قرآنی هم هست، چنان که در سوره "اذا جاء" کلمه "افواج" استعمال شده، که جمع "فوج" است و این همان کلمه ای ست، که در زبان عزیز پشتو به شکل "پوخ" استحال کرده است، که "پوخی" صفت نسبی آن شود.

در سیستم اداری سابق "فوجدار" می گفتند، که منظور از "علاقه دار" باشد. در غیر آن استعمال "فوج" در معنای "اردو" موردی را سرخ ندارد. البته در غیر آن، در زبان ادبی جائی دارد. کلمه "فوج" مگر در اردوی پاکستان استعمال گسترده دارد.

بعد از ذکر سطور مختصر بالا، ببینیم، که برای ما افغانها استعمال کدام ارجح است:

- از نگاه عام بودن و مأنوس بودن و عمومیت استعمال: کلمه "اردو"، از همه بهتر است!!!

- از نگاه "عدم مأنوسیت"، کلمه "ارتش" در درجه اول است و بهتر است، که هیچ استعمال نشود!!!

- از نظر زیبایی و ساخت، کلمات "لشکر" و "سپاه" بهترین اند، بالخاصه، که اصل دری هم دارند!!!

– کلمه "فوج" در زبان دری و به مفهوم "اردو" به ندرت استعمال دارد و محض در قالب "پوځ" پښتو
برای ما قابل تحمل است!!!